

ماهنامه فرهنگی اجتماعی مذهبی منجی

وابسته به کانون انتظار دانشگاه اصفهان

شماره سی و ششم - آذرماه ۱۴۰۲



# سکوت، آری یا خیر؟

در این شماره می خوانید....

سین سالهای سکوت

بانوی آب و آینه

واکاوی عصر غبار آلود فتنه ها

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ماهنامه فرهنگی، اجتماعی، مذهبی (منجی)

صاحب امتیاز: کانون انتظار دانشگاه اصفهان

مدیرمسئول و سردبیر: مهدیه سادات موسوی

طراح و صفحه آرا: مطهره جان نثاری

ویراستار: زهرا ابراهیمی

هیئت تحریریه: سهیلا محمدی دوست \_ کوثر رضایی \_ سهیلا رضایی \_ زهرا ابراهیمی

با تشکر از جناب آقای دکتر (محمد علی چلونگر) مدیر گروه و عضو هیئت علمی گروه تاریخ و جناب آقای علی یگانه نسب سردبیر سابق کانون انتظار که ما را در انتشار این شماره از نشریه همراهی کردند.

منتظر انتقاد و پیشنهاد های شما هستیم  
راه ارتباطی با مدیرمسئول

@monji\_entezar



کانون فرهنگی انتظار | معاونت فرهنگی اجتماعی

@kanoon\_entezar\_esf



# سرمقاله

گرچه دنیا چنین پر آشوب است، در کنار تو اما حال ما خوب است»

یا ابن الحسن، از این دنیای پر آشوب، چه بگوییم برایتان که خود شاهد و ناظر هستید؟

از رنجی که ظالم بر مظلوم روا داشته و صدای مظلومی که به هیچ کس نمی‌رسد؟ فرقی نمی‌کند چه زمانی باشد! همیشه سکوت در برابر حق، ننگ است. از مظلومی بگوییم که مردم زمانه‌اش گوش‌هایشان کر و چشم‌هایشان کور بود و عاقبتش شد سالهای سکوت امیرالمومنین؟

و اما فتنه‌های دشمنان که تمامی ندارد... دشمنی که تلاش می‌کند تا حق را زیر پا بگذارد و در راه این هدف باطل، همیشه ثابت قدم بوده است.

اما همیشه هم سکوت بد نیست، گاهی سکوت، فضیلت دارد! همانطور که می‌گوییم نباید سکوت کرد، زمانی لازم است بگوییم «لطفاً سکوت کنید»

و در آخر، از بانوی آب و آینه گفتیم... مادری هجده ساله که در راه امام زمانش شهید شد، برترین زنان عالم، سوره کوثر، دخت پیغمبر، انسیه‌حورا

شهادت بی‌بی دو عالم، حضرت زهرا «سلام الله علیها» را خدمت همه خوانندگان این شماره تسلیت عرض می‌کنیم.

ان شاء الله دعای عاقبت بخیری حضرت، شامل حاملان بشود.



# ننگ سکوت

سهیلا رضایی

قلم را یارای نوشتن نیست چرا که محکوم به سکوت است. زبان توان ادای کلمات را ندارد چرا که واژه ای برای بیان حقیقت چنین وضعیت و خیمی نمی یابد و حنجره ها در خفقانی سرد و سنگین خاموشند اینجا فقط چشمها سخن میگویند و نفیر پر درد آنها آتش بر جان آنچه هست می زند. آری، زبان مشترک ما سکوت است. نیازی به لفاظی نیست. تصاویر، خود بهترین راوایان هستند. این روزها به کرات شاهد چنین وضعی بودیم: مادری که با چشمان گریان با ثمره خود در سکوت وداع میکند، پدری که بر تلی از خرابه های کاشانه خود در سکوت نشسته، کودک یتیمی که برای آخرین بار دستان بی جان مادر خود را در سکوت بر سر باران می کند و عاشقی که در سکوت، عشق خود را برای همیشه در دل خاک به یادگاری می گذارد.

انسان متمدن قرن ۲۱ دستاورد جدیدی برای آیندگان به یادگار خواهد گذاشت و آن سکوت است.

ما و نسل بشر در این نقطه تاریخ به ننگی به نام سکوت مزین شده ایم. حال که در برابر ظلم آشکار خاموشیم و چشم و گوش خود را بر ظم، ظالم و فریاد مردم بسته ایم پس از این فاجئه چطور می توانیم خود را اشرف مخلوقات و جانشین خدا بر روی زمین بنامیم؟! آری انسان بودن در چنین شرایطی تلخ ترین سرنوشت است

وضعیتی که انسان مدعی آزادی و حقوق بشر امروز برای هموعان خود به وجود آورده با هیچ منطقی قابل توجیه نیست حتی با منطق حیوانات!... کسانی که خود را داعیه دار قانون و دموکراسی می دانند چطور نمی دانند که جنگ هم قانون خود را دارد؟!

این ولننگاری و طغیان گری در تاریخ نمونه ای جز حادثه کربلا ندارد.



ع

ماهنامه فرهنگی منجی

غزه و فلسطین با نام های پر تکرار امروز، همان صحرای کربلای دیروز است که دوباره احیا شده است

بارها شنیده ایم که تاریخ تکرار می شود و شد، اما با این تفاوت که این قوم روی اجداد آرام

خود را سفید کرده اند آنها علاوه بر بستن آب و محاصره همه جانبه حق نفس کشیدن را از اطفال تازه متولد شده، ستانده اند.

رنج و درد در این کودک کشی وحشیانه قابل توصیف نیست.

بخوابید فرشتگان آسمانی که زمین ما برای شما کوچک بود. در فاجئه عاشورا، شاید عذر کسانی که گفته را ندیده و نشنیده ایم نمی تواند در جهان واپسین، پذیرفتنی باشد ولی امروز این عذر از ما پذیرفته نخواهد شد چون هر روز از رسانه های دیداری و شنیداری شاهد ندای هل من ناصر ینصرنی مظلومان هستیم که یآوری جز خداوند ندارند و خاموشیم.

ما را چه شده؟! که میبینیم و ساکتیم ظلم ظالم و زجر مظلوم به حد اعلی رسیده تا جایی که به زن و کودک و پیر و جوان و بیمار و زخمی رحمی ندارد. بیش از ده هزار انسان به خاک افتاده اند ولی هنوز وجدان خفته جهان از خواب غفلت بر نخواست است.

این وظیفه همه انسانهای جهان و مخصوصا مسلمانان است که نسبت به شرایط فعلی موضع قاطعانه بگیرند و بر علیه این ظلم آشکار به قیام برخیزند.

امام رضا (ع) در حدیثی می فرمایند: «هر کس از کاری راضی باشد مثل کسی است که آن را انجام داده است و اگر کسی در مشرق کشته شده و دیگری در مغرب از این قتل راضی باشد، نزد خدا با قاتل شریک خواهد بود.»

والله که این سخنان موی را بدن آدمی سیخ می کند.

در چنین شرایطی که ما شاهد درد و رنج بشریت و نسل کشی و جنایات هولناک هستیم، سکوت مجامع بین المللی و حقوق بشر دردناک تر جلوه می کند.

کجایند آن مدعیان آزادی زنان که کشوری را به خاک و خون کشیدند؟! آیا این خیانت بزرگ علیه انسانهای بی گناه را نمی بینند؟! پس چرا ساکتند؟!

مگر نه اینکه پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: «هر کس صدای تظلم و داد خواهی و کمک خواهی مسلمانی را بشنود و به یاری او نشتابد، مسلمان نیست.



پاسخ تنها یک کلمه است و آن مصلحت اندیشی است. انسان اگر آزاده باشد، باید در هر شرایطی مدافع حقوق به ناحق پایمال شده باشد نه اینکه درجا منافع مالی و سیاسی و هزار و یک چیز دیگرش در میان باشد و چشم بر روی همه چیز بسته و سکوت اختیار کند. امروز، غزه، به معنای واقعی کلمه صحنه غربت و مظلومیت است. داغ خون به ناحق ریخته شده یک طفل بی گناه برای خواندن فاتحه بشریت کافیت چه برسد به ۶۲۰۰ تن. کودکانی که برخی از آنها، حتی، فرصت خاموش کردن اولین شمع از اولین تولدشان را نیافتند.

امروز، وظیفه هر انسان آزاده در جهان این است که به سخت ترین و شدید ترین نحو ممکن بر علیه این سکوت ننگین به پا خیزد.

سکوت در برابر رژیم آپارتاید اسرائیل اخلاقا جایز نیست و هر نفس اندیشمندی در سراسر جهان موظف است، نسبت به فاجئه غزه، واکنش نشان دهد.



مردم مسلمان که بر مبنای تعالیم و آموزه های دینی، سابقه دیرینه در حمایت از مظلومان دارند بنا نیست در برابر این شرایط سکوت کنند. امید است که صدای فریاد الغوث جامعه جهانی، مسیر تعجیل مولای صاحب جهان را تسهیل کند و به زودی زود، شاهد ظهور منجی عالم بشریت مهدی زهرا (عج) و اجرای عدالت ناب علوی به دست مبارکشان باشیم.

و سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيُّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ .



# سین سالهای سکوت

## سهیلا محمدی دوست

بعد از رحلت جانسوز رسول خدا، نعمت‌های الهی پروردگار بر مردم سرزمین عرب به وجود مقدس و نیکوی وصی و جانشین نبی، علی ابن ابیطالب و بانوی بهشتیان، حضرت فاطمه (س) و فرزندان و یاران آنان محدود شد.

بعد از ابلاغ جانشینی امیرالمومنین از سوی خدا به مردم توسط پیامبر که اثبات و شفافیت آن بر همگان آشکار است،

و پس از رحلت پیامبر اکرم، دستور ایشان مبنی بر پذیرفتن ولایت مولا و حمایت از ایشان به خاطره و چه بسا تنها یک داستان در اذهان مردم بدل گشت و آنان را به موجب خیانت و سرپیچی از دستور نبی گمراه کرد. حکومت و سرپرستی مسلمانان و مومنین که لیاقت و حقانیت علی بر داشتن آن کاملاً واضح بود، از ایشان توسط انصار و مهاجران در سقیفه بنی ساعد گرفته شد و ایشان را گوشه نشین خانه کرد.

سخت گیری و آزار و اذیت‌هایی که بر مولا وارد کردند تا بتوانند نام علی را با اسامی بیعت کنندگان با ابوبکر جمع کنند، هجوم به خانه ایشان و تلاش برای آتش زدن آن، و با قباحات، تن بازمانده رسول خدا را شمشیر زدن، شمشیر و زخمی که نور چشم امیرالمومنین را آسمانی کرد و غم مادر را بر دل پاک دو فرزند کوچک آنها حسن و حسین بن علی به یادگار گذاشتند. محدود کردن امیرالمومنین و بی توجهی به آرا و فصیح صدیق ایشان، رنج‌ها و دردهایی بود که ۲۵ سال مردم و خلافت دست نشانده بر ایشان وارد کردند.

اما ندانسته از اینکه در برابر امیرالمومنین که بازتابی از ایمان و علم و شجاعت بودند، رفتار و پاسخ‌هایی غیر منطقی و نابجا از سوی ایشان امری غیرممکن و محال بود. برخلاف این تصور که مولا دست به شمشیر خواهند برد و برای پس گرفتن خلافت به زور تکیه خواهند کرد، ایشان سکوت را برگزیدند،

ولی در حقیقت سوال می‌شود که با اینکه بر مسند حکومت نشستن حق ایشان، و شجاعت و دلاوری از صفتهای در نبرد بود، چرا ایشان برای آنچه که وظیفه و حقشان نام داشت، در تمام سال‌های بعد به مبارزه روی نیاوردند و بعد از مدتی تلاش پس از آن همه تحقیر و اهانت‌ها، و از دست دادن غم آلود همسرشان، نسبت به محقق شدن فرمان نبی خدا برای ولایت به تصمیم و اعمال جدی نپرداختند؟



هر کدام از ما به خوبی مطلعیم که مولا علی سنجیدگی در عمل را می‌پسندیدند و مراقبت کردن از حریم امن اسلام، دین خدا و پیامبرش را، همچون مراقبت از کودک بر خود واجب می‌دانستند؛ پس هرچه در رفتار ایشان بسیار بیندیشیم، خواهیم دانست که ایشان در افکار و اعمال خود عاقل‌ترین و داناترین بودند .

حفظ اسلام و کیان آن :حکومت و ولایت در راستای حفظ و استواری اسلام راستین، اقدامی مهم و سودمند بود

اما بهترین و اصلی‌ترین راه نه !در واقع هیچگاه قدرت و مقام ،هدف واقعی برای امیرالمومنین نبودند و ایشان در آن زمان با ارزیابی دقیق از موقعیت و به دلیل جمعیت اندک و انگشت شمار یاران و بیعت کنندگانشان به نقطه‌ای رسیدند که متوجه شدند برای پایمال نشدن زحمات رسول خدا و شهیدان راه اسلام، وضعیت آرام و ساکتی را انتخاب کنند .

درباره موقعیت و شرایط آن روزگار باید گفت که بعد از رحلت نبی اکرم، بلا و مصیبت به سمت مسلمانان روانه شد. یهودیان و مسیحیان با خوشحالی میدان تاخت خود را یافته بودند و رومیان که هدف اصلیشان در آن دوران درباره سرزمین های اسلامی حمله و تصرف بود

،مکه پر هرج و مرج و آشوب را میدان خوبی برای نبرد دیدند، اهل نفاق از دین برگشته و اعراب ، مرتد شدن را به برنامه خود اضافه کردند، ادعاهای جدیدی مبنی بر نبوت و پیامبری خدا از سوی فریب دهندگانی مثل طلیعه و سجاح آغاز شد ،بت پرستی در حال بازگشت به اهل مکه ،و اسلام در نزدیکی منسوخ گشتن بود.

اکنون ولی مسلمانان چه تصمیمی باید می گرفت که هم خداوند و پیامبر او راضی باشند و هم مردم راه هدایت را گم نکنند ؟

امیرالمومنین در این لحظات یاری مسلمانان و جلوگیری از ورود آسیب بر تن اسلام و پابرجا ماندن دین خدا و آیین درست آن را بر حکومت تمام شدنی دنیا برتری دادند.

اگر ایشان مبارزه و جنگ را انتخاب می‌کردند ،وقوع یک جنگ و ناآرامی داخلی و بین مسلمانان واقعاً آن چیزی بود که مولا می‌خواستند؟ هرگز! اگر مبارزه را در پیش می‌گرفتند، شکل‌گیری جبهه و حزب ها و نتیجه آن تفرقه، در عقیده مولا پسندیده و عاقلانه بود ؟هرگز! همانطور که خودشان در جواب به ابوسفیان در سقیفه فرمودند:

(( ای مردم! امواج کوه پیکر فتنه‌ها را با کشتی نجات بشکافید و از راه اختلاف و پراکندگی دوری گزینید و نشانه‌های تفاخر بر یکدیگر را از سر بر زمین نهد )) .

و ارزشمندتر از هر چیزی برای ایشان حفظ آن چیزی بود که رسول خدا بسیار برای آن تلاش کرده بودند؛ ترویج دین الهی و هدایت مردمان .





همچنین بعد از آن همه تلاش حضرت فاطمه برای گرفتن بیعت برای امام علی (ع)، هجوم و حمله به خانه‌شان و به آتش کشیدن آنجا از سوی مامورانی که دستور این کار را از بزرگان انصار و مهاجران گرفته بودند، نصیب ایشان شد و دختر رسول خدا در پایان به ناجوانمردانه ترین روش به شهادت رسیدند. و تنها از شخصیت منطقی و والای امیرالمومنین برمی آمد که بتوانند بر خشم و غضب خود کنترل بورزند و برای برآورده کردن خواسته های پروردگار و رسولش و حضرت فاطمه درباره هدایت مردمان و برپایی جامعه شایسته اسلامی اینگونه از غم و اندوه خود برای آسایش مردم بگذرند. و باید یاد کرد که ایشان هرگز انزوا را نپذیرفتند و در تمام روزهایی که از سوی حکومت محدود شده بودند، همچنان در تمام آن ۲۵ سال به تفسیر آیات قرآن و تحلیل آنها، پاسخ به سوال‌های مردمان جهان، رسیدگی و محبت به بینوایان و گاه‌ها مشاوره به خلفا در بن‌بست‌ها پرداختند،

و در جایگاه یک انسان متعالی و والا، وظیفه خود را در راستای حفظ نهال دین الهی اسلام تا زمانی که مردم داوطلبانه از ایشان درخواست حکومت کردند به خوبی به پایان رساندند. و مولا چه جانسوز گفتند در خطبه شششقیه: من ردای خلافت را رها ساختم، و دامن خود را از آن در پیچیدم (و کنار رفتم)، در حالی که در این اندیشه فرو رفته بودم که آیا با دست تنها (بدون یاور) بپا خیزم (و حق خود و مردم را بگیرم) و یا در این محیط پرخفقان و ظلمتی که پدید آورده اند، صبر کنم؟

محیطی که پیران را فرسوده، جوانان را پیر و مردان با ایمان را واپسین دم زندگی به رنج وا می دارد. (عاقبت) دیدم بردباری و صبر، به عقل و خرد نزدیک تر است، شکیبایی ورزیدم، ولی به کسی می ماندم که خار در چشم و استخوان در گلو دارد، با چشم خود می دیدم میراثم را به غارت می برند.

# واکاوی عصر غبار آلود فتنه ها

مصاحبه



عارفه طاهری



دکتر محمد علی چلونگر

عضو هیئت علمی گروه تاریخ

## درباره فتنه های دوران امامت چه می دانید ؟

در تمام موقعیت های زمانی و مکانی فتنه ها باعث می شوند که برخی افراد زحمت تفکر و تلاش برای یافتن حقیقت را به خود ندهند؛ حال آنکه تمام آنچه برای برون رفت از فتنه داریم ، آن است که بدانیم قرار نیست کار سختی انجام دهیم بلکه کفایت بدانیم الگوهای بزرگ دینی ما، چه نقشه راهی پیش رویمان گذاشته اند و از آن پیروی کنیم. یافتن چنین نقشه و الگویی در طول تاریخ و گذشت زمان، ما را بر آن داشت که مصاحبه ای با دکتر محمدعلی چلونگر مدیرگروه و عضو هیئت علمی رشته تاریخ دانشگاه اصفهان داشته باشیم.

## فتنه چیست ؟

بحث فتنه در متون دینی ما بسیار گسترده است به صورتی که ما در قرآن هم با این کلمه به معنای ابتلا و آزمایش برخورد می کنیم. اما فتنه ای که در جامعه اسلامی مطرح شده، بیشتر جنبه اجتماعی دارد. به عنوان مثال در خطبه ۵۰ نهج البلاغه امام علی (ع) میفرماید که آغاز پیدایش فتنه ها پیروی از هواهای نفسانی است. نگاه به فتنه از جنبه اجتماعی و تحولات سیاسی نگاه منفی است که امروزه هم به کار برده می شود؛ مثلا فتنه فلان سال. همچنین فتنه با شبهه به معنای در هم آمیختن حق و باطل، درارتباط است. فتنه به تحولاتی غبارآلود گفته می شود که بعد از تمام شدن و کنار رفتن آن غبار، قابل تشخیص است و درحین وقوع، تشخیص آن امکان پذیر نیست.



## در زمان کدام یک از ائمه معصومین فتنه ها به اوج خود می رسد ؟

اگر بخواهیم نگاهی به تاریخ بیندازیم به نظر می رسد که فتنه ها بعد از حیات رسول خدا اتفاق می افتد به دلیل این که در زمان آن حضرت، جناح ها کاملا مشخص بوده و جریان کفر و اسلام کاملا قابل تشخیص است اما بعد از ایشان راه ها کاملا واضح نیست و می توان گفت که در زمان ۲۶۰ ساله حضور ائمه بیشترین فتنه ها در زمان امیرالمومنین علی (ع) اتفاق افتاده است آن هم به این دلیل که ایشان حدود ۵ سال عهده دار خلافت بوده و در عرصه سیاست حضور داشتند. همچنین پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) تحولاتی اتفاق می افتد که موجب غبارآلود شدن فضای جامعه به خصوص ابعاد اقتصادی آن در نتیجه ی فتوحات فراوان و ثروتمند شدن عده ای، می شود تا حدی که در زمان خلیفه سوم، شخص خلیفه یک طرف دعوا قرار گرفته و از تفکر ثروتمندان دفاع می کند و گروهی که به گمان خود حق آنان پایمال شده است، دست به شورش زده و جامعه در مقابل خلافت قرار می گیرد که در نهایت منجر به قتل خلیفه سوم شده و امام علی(ع) برخلاف خواست خود به خلافت می رسند. لازم به ذکر است قبل از خلافت ایشان نیز جریانی با مفهوم فتنه نداریم. در زمان خلافت امیرالمومنین(ع) تحولاتی توسط ایشان رخ می دهد که با تفکرات شکل گرفته بین مردم همخوانی ندارد و ایشان تلاش می کنند جامعه را اصلاح و با بازگشت مردم به جاهلیت به ظاهر اسلامی و افراد تخریب گر دین، مقابله کنند که منجر به نزاع شدید بین دو گروه به ظاهر مسلمان می شود؛ بنابراین تشخیص، به دلیل مسلمان بودن هر دو گروه بسیارمشکل می شود. البته که بحث فتنه در تحولات سیاسی اجتماعی مربوط به تمامی زمان هاست و فقط مختص زمان امام علی (ع) نیست زیرا ممکن است که بستر آن در هر مقطع زمانی به وجود بیاید؛ مانند فتنه های زمان امام حسین (ع)؛ اما به جهت تحولاتی که زمان خلافت حضرت امیرالمومنین اتفاق می افتد، آن دوران را عصر فتنه می گوئیم .

## حضرت علی (ع) عوامل برون رفت از فتنه را چه می داند ؟

اولین عاملی که موجب رهایی از فتنه می شود، « بصیرت » است زیرا جامعه فتنه زده دچار جهالت و شک شده و طرف باطل با سواستفاده کردن از جهالت و بی خبری مردم، حق و باطل را با هم آمیخته و شک و شبهه به وجود آورده است؛ به همین دلیل خط جریان امامت این بود که با افزایش آگاهی و بصیرت جامعه، امکان جولان فتنه را ندهند. عامل دوم به نظر من تکیه بر «خط امامت» است . امام علی (ع) می گویند که خط حقیقی جامعه اهل بیت پیامبر هستند و ایشان بیان می کنند که شما مردم به وسیله ما از تاریکی های جهالت نجات یافتید. یکی دیگر از ملازمات برون رفت از فتنه ها « پایبندی حقیقی به دین » است زیرا فتنه با تظاهر به دین و استفاده ابزاری از آن به دنبال ضربه زدن به ارزش های راستین است. « وحدت» نیز از دیگر راهکارهای رهایی یافتن از فتنه است زیرا اساسا فتنه با تفرقه افکنی کار خود را پیش میبرد و برای بقای خود به اختلاف میان مردم نیازمند است. یکی دیگر از این راه های رهایی به نظر بنده «نخبگان» یا «خواص» هستند که امروزه نبرزهبری روی بحث خواص تاکید داشته و میگویند که عملکرد و تشخیص نادرست آنان بود که در نهایت منجر به شهادت امام حسین (ع) می شود. همچنین جامعه بیشتر به نخبگان می نگرند و اگر آنان وظیفه خود را در جامعه فتنه زده تشخیص داده ، ورود کنند و عاقبت طلب و عزلت نشین نباشند، مردم از فتنه رهایی خواهند یافت. اگر به نهج البلاغه مراجعه کنیم، امام آن آگاهان و خواص جبهه حق که ایشان را در برون رفت از فتنه یاری کرده اند، ستایش می کنند به گونه ای که پس از شنیدن خبر شهادت مالک اشتر دچار غم و اندوه فراوانی شده و صفات بارز و منحصر به فردی برای او برمی شمردند. لازم به ذکر است که اگر تعداد نخبگان با این ویژگی های شخصیتی در دوران خلافت امیرالمومنین (ع) بیشتر بود ، خلافت ایشان به سرنوشت متفاوتی دچار می شد؛ به همین جهت خواص و نخبگان بر جامعه بسیار تاثیر گذار هستند.



# فضیلت سکوت

## کوثر رضایی

چون برسی به کوی ما خاموشی است خوی ما زآن که ز گفت و گوی ما گرد و غبار می رسد.

در روزگاران قدیم چهار حرف به هم پیوستند و واژه‌ای را ساختند که نشانگر حرف‌ها و اعمال بسیار است. با اینکه، هیچ یک از آنها را انجام نمی‌دهیم اما هر حرف آن مفهومی در خود جای داده است:

سین، دربردارنده سر و صدای بسیار در عین هیچ گفتن؛

کاف، تمام و کمال بودن سخن در عین هیچ گفتن؛

واو، نشانگر واحد بودن سخن یا به قول معروف «مرغ ما یک پا دارد»

ت، تکرار بی‌پایان همه این موارد!

چه سکوت‌هایی که بهتر از سخنان بسیار است. به جرات می‌توان گفت فضیلتی که سکوت دارد بالاتر از هزاران عمل بوده؛ لکن باید در موقعیت‌های مناسب اعمال شود! به نظرم در دنیای امروز رعایت این اصل کم رنگ شده است!

چه ظلم‌هایی که به ناحق انجام می‌شوند و اطرافیان سکوت نابجا پیشه می‌کنند که این نه تنها فضیلت نیست بلکه ظلمی افزون بر دیگر ستم‌هاست.

سکوتی که در بسیاری از مواقع جان آدمی را نجات می‌دهد گاهی اوقات، منجر به باز شدن شکوفه بهار زندگیست.

به نظر من فضیلت دیگری که سکوت دارد این است که آبرو و شأن انسان حفظ می‌شود چه بسا که با گفتن حرفی هر چند محترمانه زیر سوال برویم هرچند سکوت به معنای هیچ گفتن مطلق نیست. گاهی وقتها، در اعمال هم تجلی می‌یابد. در این مواقع باید مراقب برداشتهای مختلف باشیم تا پیامدهای نادرست و هولناک روزگار، گریبانگیر زندگی‌مان نشود.

در بعضی مواقع، با اینکه سکوت پیشه کرده‌ایم اما می‌توانیم صحبت کنیم، جالب است نه؟!

این مورد را می‌توان در رفتار مادران عزیزتر از جان پیدا کرد. با اینکه اندک صحبتی در باب موضوعی می‌کنند اما اصل قضیه را بیان نکرده سکوت پیشه می‌کنند و آن هنگام است که باید خود وارد صحنه شویم!...

در بعضی مواقع، با اینکه سکوت پیشه کرده‌ایم اما می‌توانیم صحبت کنیم، جالب است نه؟!



این مورد را می‌توان در رفتار مادران عزیزتر از جان پیدا کرد. با اینکه اندک صحبتی در باب موضوعی می‌کنند اما اصل قضیه را بیان نکرده سکوت پیشه می‌کنند و آن هنگام است که باید خود وارد صحنه شویم...!

شاید بتوان گفت پدر نمادی از سکوتی بی‌انتهاست!

پدري که مقابل سختی‌ها مقاومت کرده، با سکوت در برابر آنها می‌جنگد! اما با لبخند خود آرامشی را به خانواده هدیه می‌دهد که فراتر از هر داروی تسکین دهنده است. حتی گاهی اوقات مشکلات او را خم می‌کنند، اما نه خود و نه سکوتش، نمی‌شکنند!

مالک اشتری که با خموشی در برابر بی‌احترامی‌ها و ناسزاها، دعا گویان به درگاه خداوند، خواهان هدایت‌گریست، فضیلت بسیار این عمل را روشن می‌سازد؛ درواقع می‌توان گفت سکوت به‌جا، زمینه هدایت انسان را فراهم می‌آورد.

البته باید گفت بزرگی والاتر از نخعی وجود دارد و اصل فضیلت سکوت را قرن‌ها پیش، تبیین کرده است، آری امام علی(ع)، شیر خدا، کسی که با همه‌ی قدرت‌ش، زمانی که به خانواده‌شان بی‌حرمتی شد، زمانی که دستشان را بستند و آن هنگام که واقعه غدیر به فراموشی سپرده شده جانشینی و خلیفه‌اللهی را از ایشان غضب نمودند، به امر خداوند متعال، سکوت فرمودند و اسلام را حفظ کردند! من فکر می‌کنم سکوت خود به خود باعث تفکر و تحلیل موضوع مورد نظر در مغز آدمی می‌شود. اگر انسان در گفتن جواب عجول نبوده و با اندکی ساکت ماندن تفکر کند، شاید راه حل یا پاسخی بهتر و مناسب به ذهنش برسد!

هرچند فضیلت سکوت کردن بیش از این‌هاست و جای بحث دارد، منتها به عقیده من، این سخن گرانبها، کل گفته‌ها و ناگفته‌های موجود عالم هستی را دربرمی‌گیرد، همان معصومی که می‌فرمایند: «سکوت همچون طلا و کلام چون نقره است.»



## تماشاخانه سران عرب



### زهرا ابراهیمی

به گزارش خبرگزاری الجزیره، دریافتیم که بعد از گذشت بیش از ۲ هفته از آغاز عملیات طوفان الأقصى در ۷ اکتوبر ۲۰۲۳ که به دنبال آن نیروهای اشغالگر اسرائیل به صورت دسته جمعی ساکنان منطقه غزه را با یک رفتار وحشیانه، با بمباران مناطق مسکونی و بیمارستانها و خراب کردن خانه های ساکنان غزه بر سرشان و هزاران فعالیت جنایت آمیز دیگر مجازات کردند که تاریخ بشریت تا قبل از این، آن را به چشم ندیده بود.

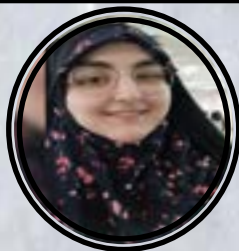
بعد از این اتفاقات ناگوار، چند کشور عربی نشستی با عنوان نشست امنیتی سران کشور های عربی تشکیل دادند که وزیران خارجه کشورهای عربستان، مصر، اردن و فلسطین در این نشست وجود داشتند آنها در مورد عملیات طوفان الأقصى و دیدگاه کشورهای عربی متحد همسایه صحبت کردند و اقرار کردند که به نظر آنها عملیات طوفان الأقصى، رفتار وحشیانه اسرائیل را توجیه نمیکند، اما دلیلی هم برای مجازات دسته جمعی غیر نظامیان و شهروندان اسرائیل وجود ندارد. آنها معتقد بودند که فلسطینی ها فقط حق دارند از خود دفاع کنند و حق حمله به اسرائیل را در پاسخ به هجوم وحشیانه او ندارند.

وزیران خارجه کشورهای عربی خواستار آن شدند که گذرگاه رفح و سایر گذرگاه ها باز مانند تا کمک های انسانی و پزشکی به آن ها برسد. موضع اعراب، ضرورت رفع محاصره و برقراری آتش بس همه جانبه را افزایش داد.

وزیران خارجه کشورهای عربی ضرورت برگشت به مذاکراتی که باعث تحقق بخشیدن به حقوق خاص خود فلسطین که شامل برقراری دولت مستقل فلسطین و قرار دادن قدس شرقی به عنوان پایتختش بود را ابراز کردند.

سران فلسطین اعلام کردند که به هیچ وجه مردم فلسطین سرزمینشان را ترک نخواهند کرد و از آنجا جا به جا نشده و آواره نخواهند شد، چون این سرزمین حق مسلم آنهاست و پای این سرزمین خواهند ایستاد.

در نهایت نتیجه بزرگی گرفته شد و آن این بود که عملیات طوفان الأقصى روی هدف اصلی خود که همان انتقال درگیری به میدان اصلی نبرد با وجود اشغال کردن سرزمینشان و شهرک سازی بر روی پیکر های فلسطینی توسط اسرائیل جنایتکارکه به مدت بیش از ۷۰ سال از روز نکبت تا به حال ادامه داشته است خواهد ماند و از هدفش دست نخواهد کشید تا پیروز شود و هدفش را تحقق بخشد.



## بانوی آب و آینه

مهدیه سادات موسوی

بانوی آب و آینه  
بانوی بی‌نشان فاطمه  
بانوی دو عالم زهراست  
پاک و مبراست، فاطمه  
ام اییهاست، فاطمه  
انسیه‌ی حوراست، فاطمه  
دختر مصطفی‌ست، فاطمه  
همسر مرتضی‌ست، فاطمه  
مادر حسین «ع» است او  
نام او چه زیباست، فاطمه  
شفیعه‌ی روز جزا، زهراست  
بانوی بهشتیان است، فاطمه  
از گناهان به دور است او  
چون که او فاطمه است، فاطمه  
«زهی سعادت که من شوم  
روزی، خاک زیر پای فاطمه»



